

الباب الثامن من الواحد السادس في ان من استدل بغير كتاب...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثامن من الواحد السادس في ان من استدل بغير
كتاب الله و آيات البيان و عجز الكل عن الاتيان بمثلها فلا
دليل له و من يروى معجزة بغيرها فلا حجة له و من يدعى
الآيات فلا يتعرضنه احد و لا بد ان يقرئن ذلك الباب في
كل تسعة عشر يوما مرة واحدة و يتفكرن فيما نزل فيه
بالليل و النهار.

ملخص این باب آنکه اگر کسی بغير آیات الله احتجاج کند بر حقیقت نقطه بیان محتجب مانده از اعظم دلیل و
ارفع سبیل اگر چه در هر ظهور کل شئون شجره حقیقت مقطع غیر او است از مثل و قرین و شبه و عدل و
کفو ولی چون اکثر چشم قلوب ایشان نمی بیند علو آنرا و در آیات بخوی است که اگر کل خواهند بفهمند
بتوانند لهذا حجت را واحد قرار داده لعل یوم ظهور "من یظهره الله" در حق او لم و بم گفته نشود



ORIGINAL



AUDIO

و آنچه در قرآن نازل شده دون احتجاج بآن نبوده که اگر کل بر آن واقف شده بودند امروز امر ایشان سهل تر بود از اقرار بحق از شئوناتی که خود روایت میکنند و حجتی در کتاب الله از برای آنها نیست بلکه اگر تعارض کند عمل بآنچه در کتاب الله بوده امر الله بوده و هست

و امر شده که در هر نوزده روز یک دفعه در این باب نظر کنند لعل در ظهور "من ینظره الله" محتجب نشوند بشئونی دون شئون آیات که اعظم حجج و براهین بوده و هست نه اینکه در هر نوزده روز یک دفعه نظر کنید و مقصود ظاهر شود و در حجاب محتجب مانید مثل آنکه هر روز صبح دعای عهد نامه را میخوانید و از بسکه العجل العجل گفتید بر خود مشتبه گردید دون حب خود را بر انفس خود و گمان کردید که حب او را دارید و حال قریب بسه سال متجاوز است و امر الله ظاهر شده تا آنکه امروز محل مقصود خود را در جبل قرار داده اید

و حال آنکه بر آن حجتی که دین کل مسلمین بر او برپا است ظاهر شده که بعد از انقطاع وحی تا ظهور این آیات احدی ظاهر نشد که اتیان بآیه نماید و اینقدر بر بصیرت نیستید که بدانید غیر الله نمیتواند آیه نازل فرماید همین قدر که دیدید این نوع حجت ظاهر شد یقین کنید که این همان حقیقت اولیه است که در صدر اسلام خداوند بر او قرآن را نازل فرموده و حال هم خواسته بر او نازل فرماید

اگر در حجت دین خود موقن بودید این امر را تعقل میکردید زیرا که امر از دو شق بیرون نیست خداوند عجز کل را در قرآن نازل فرموده چون نظر میکنید این نفس را هم در کل می بینید امتناع بر خود راه میدهد این است که محتجب میگردد با آنکه بهمان قسم که خداوند نازل فرموده در بدء همین قسم هم نازل می فرماید در عود اگر باین نظر نظر کنید اقرب از لمح بصر تصدیق میکنید چون نظر در خلق میکنید میگویید امتناع دارد بلی از خلق امتناع دارد ولی من عند الله امتناع ندارد زیرا که هر قسم خواهد بقدرت کامله خود جاری می فرماید

و ظاهر است که بعد از غروب شجره حقیقت احدی نتواند مثل آیات او اتیان نمود چنانچه در قرآن که هزار و دوایست و هفتاد سال گذشت کل یقین نمودند بر عجز کل حال هم بعد از غروب شمس حقیقت امتناع دارد که از غیر او آیه ظاهر شود بر نهج فطرت و قدرت بدون تعلم و شئونی که در نزد اهل علم متصور است

با وجود این امتناع که غیر از "من ینظره الله" کسی نتواند مدعی شد این امر را فرض شده در بیان که اگر نفسی ادعا کند و آیاتی از او ظاهر گردد احدی متعرض نگردد او را لعل بر آن شمس حقیقت حزنی وارد نیاید که اگر در قرآن ملاحظه این امر شده بود اعمال کل یکدفعه باطل نمی گشت زیرا که اگر نفسی بر حق از برای حق نگردد ولیکن بر او هم نگردد حکمی در شأن او نازل نخواهد شد که حکم بر کل شود الا بر نفس او

حال هم اگر شنوید چنین امری و یقین نکنید تکسب امری نموده که سبب حزن او باشد اگر چه در واقع غیر او باشد اگر چه این تصویری است محال ولی همین قدر که ذکر اسم او گردد بر صاحبان حب او بعید است که او را محزون کنند احتراماً لاسمه

زیرا که امر از دو شق بیرون نیست یا او است و حال آنکه غیر از او ممکن نیست که آیات بر نهج فطرت نازل فرماید که چرا نفسی تکذیب حق کرده باشد و حال آنکه شب و روز در انتظار او عمل کرده باشد و اگر بر فرض امتناع کسی خود را نسبت داد و گذارند حکم او را با خدا بر خلق نیست که حکم بر او نماند اجلالاً لاسم محبوبهم و حال آنکه چنین نفسی نیست که تواند چنین مقامی را ادعا کند اگر در کور قرآن بهم رسید در این کور هم خواهد رسید آیات او بنفسه دلیل است بر ضیاء شمس وجود او و عجز کل دلیل است بر فقر و احتیاج بسوی او

سبب این امر این است لعل در یوم ظهور حق قدمهای ایشان بر صراط نلغزد و بآیه شبیحی که در افئده ایشان است بر مکون وجود خود بآن آیه حکمی نکنند که یک دفعه کل کینونیت و اعمال آنها باطل گردد و خود خبر نشوند اگر کل بر این یک امر اطاعت کنند بر خداوند است که حق را بر ایشان ظاهر فرماید و القای حجت و دلیل در قلوب ایشان فرماید باده ظاهره که از قبل او مشرق میگردد تا اینکه مؤمنین توانند در حق او اظهار یقین نمود و دون آنها توانند اظهار وقوف نمود که وقوف در حق دون حق است

و کافی است کل اهل بیان را اگر در این حکم عمل نمایند در نجات ایشان در یوم قیامت زیرا که آن یومی است که کل ما علی الارض بآیات مشرقه در افئده ایشان از شمس حقیقت انا لله عاملون میگویند ولی صادقین عبادی هستند که نظر بمکون آن آیات بالله عز و جل نموده که آن شمس حقیقت باشد که آیات او که ضیاء او است فاصل است ما بین کل شیء

تلک حجة الله قد تمت علیکم ان یا عباد الله فاتقون.

